

پدیده حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی آن (ارزنان و دارک اصفهان)

رسول ربانی*، صمد کلانتری* و نفسیه یآوری**

* گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان

چکیده

توسعه شهرنشینی و پیدایش مناطق کلان شهری در کشورهای جهان سوم با توسعه شهرنشینی در کشورهای جهان صنعتی غرب که از فردای انقلاب صنعتی در کشورهای مذکور آغاز گردید بسیار متفاوت است. هجوم سیل آسای روستائیان به شهرها بویژه شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه را باید در ازهم پاشیده شدن نظام‌های سنتی تولید روستایی از یک سو و وجود فرصت‌های شغلی مناسب از سوی دیگر جستجو کرد. مهاجران به محله‌های مهاجرنشینی هجوم می‌برند که در حاشیه شهرها مانند قارچ رشد می‌کنند و آنان در جایی که «حاشیه گندابی» یا «آپاندیس شهری» نامیده می‌شود سکنی می‌گزینند. بسیاری از آنها در شرایطی زندگی می‌کنند که از کمترین امکانات اولیه نیز بی بهره‌اند. همزمان با افزایش مکانهای آلوده‌کننده، شاهد گسترش بی‌رویه نابرابری‌های اجتماعی، فقر، بیکاری، بزهکاری، تفاوت‌های فرهنگی و بیسوادی هستیم.

حلبی آبادها نتیجه کاربری ارضی نابرابر بین بخش‌های مختلف شهری است که بصورت‌های مختلف زمین‌ها را در خارج از محدوده‌ها در اشغال خود دارند. حلبی آبادها بدون امکانات بازآفرینی، از لحاظ اشتغال و دیگر منابع می‌توانند حتی ریشه در مناطق روستایی داشته باشند. بیشترین امید آنها به کار در شهر می‌باشد. در راستای این بررسی، میتوان متغیرها و عوامل زیادی را برشمرد که هر یک بنوعی بر چگونگی زیست شهری تاثیرگذار هستند. مناطق حاشیه نشین ارزان و دارک اصفهان از جمله پدیده‌هاییست که تاثیرات منفی بسیاری را بر شهر اصفهان، محیط‌زیست و امور سیاسی و اقتصادی بر جای می‌گذارد.

شرایط فیزیکی - کالبدی این زاغه‌ها عبارت است از تراکم بالای جمعیت، فقدان تسهیلات مناسب زندگی، کمبود خدمات اولیه زیربنایی، محیط‌زیست آلوده و غیربهداشتی. همچنین در این محل‌ها درصد بالایی از بیسوادی، بیکاری، جنایت و ناهنجاری‌های روانی مشاهده می‌گردد. مقاله حاضر با تاکید بر زمینه‌های شکل‌گیری مسایل اجتماعی در شهر، بر آنست تا حاشیه نشینی و آثار اجتماعی و فرهنگی بر آن را مورد مطالعه قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: حاشیه نشینی، فقر، جرم، بیکاری، مشارکت اجتماعی، نابرابری اجتماعی، تنوع فرهنگی.

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها مساله حاشیه‌نشینی و مسکن نامناسب را پدید آورده است. در اثر مهاجرت، ترکیب جمعیت شهرهای بزرگ به کلی جنبه‌ی طبیعی خود را از دست می‌دهد. مهاجرتهای روستایی و رشد سریع شهرنشینی و ظهور حلبی آبادها، کمبودها و مضایق زندگی شهری، کمبود مسکن و نارساییهای آن همراه با رشد بیکاری و عدم اشتغال مناسب، زمینه جرم‌زایی و آسیب‌های اجتماعی را فراهم ساخته است. در ایران، حلبی آبادها مکان دایمی فقرا بوده است، زیرا صاحب خانه‌ای نیستند و در کپرها زندگی می‌کنند. در ارتباط با حیات اقتصادی، ساکنان حلبی آبادها در شهرها کار می‌کنند، بخصوص در بخش ساختمان‌سازی شاغل هستند یا به خرید و فروش سیگار و مواد مخدر اقدام می‌نمایند. مطالعات متعدد انجام شده در شهرهای مختلف نشان می‌دهد که اگر چه سابقه حاشیه نشینی در شهرهای ایران به سالهای ۱۳۰۰ بر می‌گردد

ولی شدت و رواج آن در دهه‌های ۴۰-۵۰ بوده است. ویژگی کلی حلبی‌آبادها را میتوان در سکونت‌های دسته جمعی و متراکم، مقررات، همبستگی و فرهنگ خاص آنها یافت. در حال حاضر اشکال کلاسیک حاشیه‌نشینی فقیرانه مانند کپر نشینی، زاغه‌نشینی و حلبی‌آبادها در حال گسترش هستند.

حاشیه‌نشینی و تشکیل محلات فقیرنشین در تهران، مشهد، کرج، کرمانشاه، شیراز و اصفهان در حال گسترش است. برای عینی نمودن تحقیق، مناطق حاشیه‌نشین ارزان و دارک اصفهان انتخاب شده است تا ویژگی‌های حاشیه‌نشینی و اثرات آن بر شهر بصورت واقعی مورد توجه قرار گیرد.

اهداف تحقیق

- ارائه نمایی کلی از مناطق محروم ارزان و دارک اصفهان
- شناخت مسایل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی در محله‌های حاشیه‌نشین
- شناخت عوامل توسعه فرهنگ فقر توسط حاشیه‌نشینان
- بررسی تعداد گروه‌های قومی و فرهنگی مهاجر ساکن در مناطق حاشیه‌نشین

ضرورت تحقیق

مهاجرت روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ موجب تراکم جمعیت در چند شهر بزرگ شده که این خود افزایش سریع بهای مسکن و اجاره مسکن و روی هم رفته بالا رفتن سطح کلی قیمت‌ها و ناعدالانه‌تر شدن توزیع ثروتها و درآمدها در جامعه را به دنبال داشته است. مهاجرت افراد از کشورهای همسایه به ایران به علت ناآرامی‌های سیاسی و نابسامانیهای اقتصادی در آن کشورها نیز خود موجب شکاف بین عرضه و تقاضا را تشدید می‌کند. مهاجران با روی آوردن به شهرهای بزرگ به علت وجود امکانات بیشتر و بهتر باعث حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی در اطراف شهرها می‌شوند و در سایه تفاوت‌های فرهنگی، درک متقابل و مناسبی نیز میان مهاجران و ساکنان به وجود نمی‌آید و بنابراین ناهنجاریهایی در زمینه‌ی شهرنشینی بروز می‌کند. بنابراین با آگاهی از این ناهنجاریها و بررسی مسایل اجتماعی پیرامون جامعه بهتر میتوان در جهت شناخت از مشکلات و راههای فایز آمدن بر آنها گامهای اصولی برداشت.

پرسش آغازین

پیدایش مسایل اجتماعی شهری معلول عوامل متعددی است که در این بین حاشیه‌نشینی را می‌توان بعنوان علتی برجسته‌تر مورد تاکید قرار داد. از سوی دیگر حاشیه‌نشینی خود از خلال بررسی پدیده‌های دیگر همچون مشارکت اجتماعی، نابرابری اجتماعی و تنوع فرهنگی قابل مطالعه است بر همین اساس، هدف، توضیح و چگونگی آثاری است که حاشیه‌نشینی از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بر شهرها می‌گذارد.

پیشینه تجربی

چکیده تحقیقات انجام شده در ایران

- سید رکن الدین رشیدی در «بررسی جنبه‌های رفتاری حاشیه‌نشینان کوی مرادیان رشت»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی به بررسی یک محله‌ی حاشیه‌نشین از شهر رشت به نام کوی مرادیان پرداخته است و چارچوب نظری مورد استفاده از مکتب شیکاگو، خاص نظرات «پارک» و استفاده از مفهوم انسان حاشیه‌نشین بهره‌جسته و نتیجه گرفته که بین باورهای مذهبی، قومیت و میزان هم‌نواایی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

- دکتر پرویز پیران تحت عنوان «آلونک‌نشینی در تهران» که در اطلاعات سیاسی-اقتصادی چاپ شده است پس از بحث طولانی در مورد شهرنشینی ناهمگون در ایران و تفاوت فرایند شهرنشینی در ایران با غرب به مساله مسکن نابهنجار یا حاشیه‌نشینی پرداخته و آن را یکی از مهمترین مسایل برنامه‌ریزی شهری کشوری جهان سوم که ناشی از وابستگی دیرپای این کشورها به سرمایه‌داری جهانی، مهاجرت بی‌رویه و رشد غیرمنطقی مناطق شهری است تشخیص می‌دهد.

- سید مسعود منوری کتابی تحت عنوان حاشیه‌نشینی در شهر رشت در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسانیده است که جنبه‌های وضعیت مهاجرت و حاشیه‌نشینی را بررسی کرده است.

- علی اصغر اکبریان پایان‌نامه‌ای تحت عنوان حاشیه‌نشینی در تبریز انجام داده است که به بررسی تطبیقی مهاجران روستائین و کوچ‌نشین در حاشیه تبریز در سال ۱۳۶۵ در مورد جمعیت و علل مهاجرت، وضع سکونت، امکانات زندگی، وضع حاشیه‌نشینان از نظر آموزشی و اقتصادی صورت گرفته است.

- اکبر مجدالدین در سال ۵۶-۱۳۵۵ زیر نظر دکتر غلامعباس توسلی، روابط حاشیه‌نشینان تهران را مورد بررسی قرار داده و در این تحقیق به نوع و میزان روابط اجتماعی حاشیه‌نشینان و علل این روابط پرداخته است.

چکیده تحقیقات انجام شده در خارج از ایران

در مورد شهرسازی، از اوایل قرن بیستم، مساله ساخت مسکن در زاغه‌های شهرهای اندونزی، محققان را به بررسی مسایل اجتماعی مربوط به شرایط زندگی هدایت کرد. یکی از پیشگامان این تحقیقات، تیلما (Tillema) بود که مخارج هنگفتی برای آگاه‌سازی مردم از وضعیت بهداشتی اسفبار زاغه‌نشینان صرف کرد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، تحقیقات موردی راجع به شهرهای مختلف و درباره مسکن ارزان قیمت و زاغه‌ها در شهرهای مختلف پاکستان، مالزی و بنگلادش و خانه‌سازی با کمکهای مردمی در شهر لاپاز به چاپ رسید. تحقیق با هدف تجزیه و تحلیل و حل مساله زاغه‌ها و مسکن ارزان قیمت انجام شد و محققان به بررسی مشاغلی مانند رفتگری و دستفروشی در پاکستان و بنگلادش پرداخته‌اند. پل ویریلیو، پدیده مرکز حاشیه را مطرح می‌کند. طبق نظر او فضای شهرها تنگ‌تر شده است و مردم روستا را رها می‌کنند و محیط‌های روستایی به بیابان تبدیل می‌شوند و باعث افزایش مشکلات شهری، از قبیل: جرایم، آلودگی هوا، سرو صدا، بیکاری، شلوغی مدارس، ناکافی بودن وسایل حمل و نقل می‌شوند. از نظر روزنشتاین-رودان، اشتغال کامل و دستیابی به تسهیلات آموزشی، اساسی‌ترین شرط فراهم آوردن برابری فرصت‌ها در سطح حداقل آن است. برای او برنامه‌ریزی در توسعه بسیار با اهمیت است. در پژوهشی میدانی که در آلمان شرقی توسط هاج مولر انجام گرفت، ویژگی‌هایی چند برای مناطق حاشیه‌نشین عنوان کرد. از جمله:

- مهاجرت و بیکاری طولانی باعث کاهش سرمایه‌های انسانی در منطقه می‌شود که در نتیجه مانع سرمایه‌گذارها برای خنثی کردن بیکاری و مهاجرت می‌شود.

- در حاشیه قرار گرفتن و سطح پایین زندگی، استخدام بهترین افراد را برای بخش سیاسی و سازمانی مشکل می‌کند. این مشکل به دلیل مهاجرت افراد تحصیلکرده و توانا روز به روز وخیم‌تر

می‌شود. در نتیجه منطقه فاقد نیروی انسانی لازم برای اداره‌ی موثر منطقه‌ای جهت غلبه بر مشکلات ناشی از در حاشیه قرار گرفتن منطقه‌ای خواهد بود.

- مشکلات در حاشیه بودن و قدرت خرید پایین در منطقه باعث کاهش علاقه برای سرمایه‌گذاری در بخش خدمات یا تولید کالای مناسب برای مصرف‌کننده می‌شود و باعث کاهش بیشتر در قدرت خرید می‌شود.

در پژوهشی دیگر که توسط روی دان^۱ بنام تقویت حاشیه‌نشینی از طریق فرهنگ نامعلوم (جامعه‌آنگلوی هند) انجام شد، حاشیه‌نشینی فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت. پژوهشگر عنوان می‌کند یک گروه وقتی حاشیه‌نشین در نظر گرفته می‌شود که توسط خودش و نه توسط گروه‌های غیرحاشیه‌نشین در نظر گرفته شود.

تعریف حاشیه‌نشینی

مفهوم حاشیه‌نشینی بمعنای اعم، شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و بسوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشد و اکثراً مهاجرین روستایی هستند که بمنظور گذران بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. مناطق زاغه‌نشین، آلونک‌نشین، کپرنشین و در مفهوم کلی‌تر "حاشیه‌نشین" بخشهای مورد غفلت واقع شده‌ای از شهر هستند که شرایط زندگی و مسکن در آنجا به شدت پایین و نامناسب است.

زاغه‌ها معمولاً در مکانهایی پدید می‌آیند که به هیچ عنوان برای سکونت انسان مناسب نیستند. اغلب این سکونتگاهها بر روی اراضی حاشیه‌ای شهر که ارزش بسیار کمی دارند واقع شده‌اند، مناطقی مانند دامنه تپه‌های اطراف شهر، زمینهای مرطوب و مردابی، زمینهای اطراف محل انباشت زباله‌های شهری، زیر کابل‌های فشارقوی، حاشیه رودخانه‌ها و نیز مکانهایی که در معرض خطر سیل بوده و سیلابهای موسمی در آنجا رخ می‌دهد. حاشیه‌نشینی به نوعی از زندگی اطلاق می‌شود که با سه شیوه رایج زندگی، یعنی شهری و روستایی و عشایری متفاوت بوده، با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص بخود که بافت فیزیکی معینی را بوجود می‌آورد. حاشیه‌نشینان کسانی هستند

که در سکونت‌گاه‌های غیرمتعارف با ساکنین بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند، گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر نیروهای دافعه خاستگاه، چون فقر و بیکاری و کمتر عوامل جاذب شهری، از زادگاه خود روستا، ایل و شهر رانده شده و به شهرهای دیگر روی می‌آورند. از آنجایی که اکثریت این گروه‌ها بی‌سواد بوده، آمادگی لازم را در جهت جذب در بازار کار شهر ندارند، عامل پس‌ران شهری نیز آنها را از شهر رانده و به حاشیه‌کشانده است. از خصوصیات مناطق حاشیه‌نشین میتوان موارد زیر را ذکر نمود:

۱. منطقه واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها

۲. تسلط فرهنگ فقر در منطقه و ایجاد خودفرهنگ‌های خاص این مناطق

۳. جدایی‌گزینی توده‌ای از مردم روستایی از جامعه بشری

۴. شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام ساختمانی

۵. گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری

۶. مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها

و در تعریف دیگری از حاشیه‌نشینی آمده است: حاشیه‌نشینی بعنوان آپاندیس شهر بزرگ محسوب می‌گردد. حاشیه‌نشین‌ها برای ایجاد امنیت نسبی بین خود بناچار گرایش به فراهم نمودن منطقه اخلاقی- فرهنگی می‌نمایند. به عبارت دیگر گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری هستند به موقعیت «زیست در متن» دست می‌یابند و در حیات جنبی نقش سوژه‌گی ایفا می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده‌شدگی گروه‌ها و طبقاتی است که در وضعیت «زیست در حاشیه» به سر می‌برند و در گستره فعالیت‌های شهری نقش نیمه‌فعال و غیرفعال دارند بطور کلی میتوان چنین گفت که مسایل اجتماعی خود ناشی از پیدایش وضعیت حاشیه‌نشینی متن‌نشینی در نظام اجتماعی شهری است.

ویژگی‌های کالبدی سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای درون شهری

یک سکونت‌گاه غیر رسمی بدلیل اصل غیرقانونی بودن آن، دارای سرویس‌ها و خدمات شهری ناکافی و زیر ساختی در سطح بسیار پایین می‌باشد. این سرویس‌ها عبارتند از: شبکه ارتباطی، منابع آب، سیستم تخلیه فاضلاب، برق، جاده، مدارس، مراکز بهداشت، بازار و غیره.

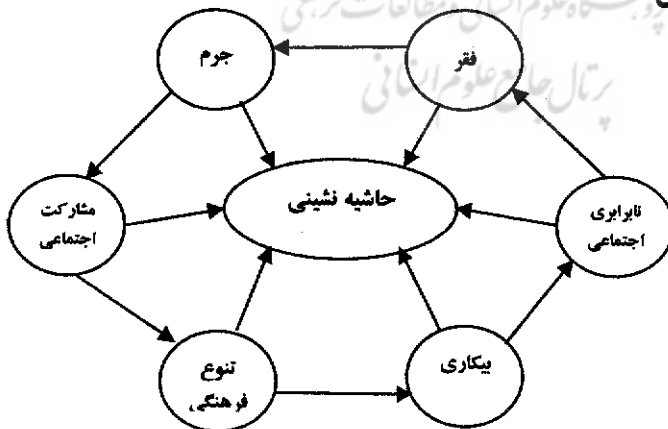
ویژگی‌های اجتماعی سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای درون شهری

اغلب ساکنان سکونت‌گاه‌های غیر رسمی دارای درآمدی ناچیز و جزو طبقات پایین جامعه می‌باشند. آنها بصورت کارگر روزمزد بوده و اغلب در بخش‌های غیر رسمی کار می‌کنند، اغلب ساکنان را مهاجران (از روستا و شهرهای کوچک به شهر) تشکیل می‌دهند و بعضی از آنها نیز از نسل دوم و یا سوم ساکنان غیرمجاز می‌باشند.

چارچوب نظری تحقیق

پارسزاستدلال کرد که فراگرد تمایز یک رشته مشکلات تازه رابرای یکپارچگی جامعه به بار می‌آورد، به موازات تکثیر خرده نظامها و تخصصی شدن آنها، جامعه با مسایل تازه‌ای در زمینه هماهنگ‌سازی عملکردهای این واحدها، روبرو می‌شود. جامعه دستخوش تکامل باید از نظام دستاوردی حرکت کند. برای اداره کردن خرده نظامهای پراکنده‌تر، به مجموعه مهارتها و قابلیت‌های گسترده‌تری نیاز است، قابلیت‌های تعمیم یافته مردم نیز باید از این قیدوبندهای انتسابی رها گردد تا جامعه بتواند از این قابلیت‌ها استفاده کند. از این گفته چنین برمی‌آید که گروه‌هایی که پیش از این از سهم بودن در نظام محروم بوده‌اند باید از این محرومیت رهایی یابند و اعضای کامل جامعه‌شان گردند.

مدل تئوری تحقیق



جامعه‌شناسانی چون دورکیم، ردفیلد و تونیس، به این نتیجه رسیده بودند که انتقال از شیوه زندگی روستایی به شیوه زندگی شهری، پیامدهای ناخوشایند فراوانی دارد. آنها معتقد شده بودند

که در این انتقال، روابط غیرشخصی جانشین روابط شخصی می‌شود و در نتیجه نظم و نظام جامعه را در معرض از هم گسیختگی قرار می‌گیرد. مطالعات شاو در مکتب شیکاگو به بازبانی حلقه‌هایی چند در حوزه شهری انجامید. بدین ترتیب که در حلقه‌های دور از مرکز، کمترین میزان جنایت بیشترین میزان هویت فردی دیده می‌شود و همانطور که به حلقه‌های میانی نزدیکتر می‌شود، ملاحظه می‌نمود که به همراه افزایش تراکم، تبه‌کاری بسط می‌یابد، بی‌نامی و فقدان هویت انسانها رایج می‌شود و تنهایی انسانها در داخل انبوه‌های شهردیده می‌شود. لوئیس ورت و برجیس نیز با طرح نظریه منطقه‌ای معتقدند که در جریان توسعه شهر، مناطقی با کارکردها و ویژگیهایی بوجود می‌آید و در آخرین مرحله رشد، منطقه اعیان‌نشین شکل می‌گیرد. میلر دیگر نظریه‌پرداز است که ادعا می‌کند که افراد تنها با زندگی در میان طبقات اجتماعی فرودست و تاثیرپذیری از خرده فرهنگ آنهاست که به طرف اعمال غیرقانونی و رفتارهای انحرافی کشیده می‌شوند. مارکس معتقد است که جنایت، فحشا، فساد و رفتار خلاف اخلاق در درجه نخست ناشی از فقر است که زاینده سیستم سرمایه‌داری است، بدین سان که عده معدودی با در اختیار گرفتن وسایل تولید، ثروتها را بطور نامساوی قسمت می‌کنند و تناقضات جامعه را پدید می‌آورند. البته لازم به ذکر است که این نظریات بیش‌تر با خصوصیات شهرهای کشورهای پیشرفته مطابقت دارند. چارچوب نظری این تحقیق برگرفته از اندیشمندانی چون پارک، ورت، میلر، راین واتر، نورکس، اسکار لوئیس، هانارز، زاهدانی است.

روش تحقیق و متغیرها

روش بکار گرفته در این پژوهش میدانی - تحلیلی می‌باشد، پژوهش در مناطق ارزان و دارک انجام شد با جامعه آماری حدود ۲۴۰۰۰ نفر که بمنظور دستیابی به نتایج قابل قبول از ابزار پرسشنامه و مصاحبه استفاده شد و در نهایت از طریق فرمول کوکران ۲۵۲ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده گردید.

متغیرهای مورد بررسی عبارتند از:

الف- متغیرهای مستقل: جرم، فقر، بیکاری، مشارکت اجتماعی، نابرابری اجتماعی، تنوع

فرهنگی.

ب- متغیر وابسته: حاشیه‌نشینی

زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی در اصفهان

زاغه‌نشینی دست کم از پایان قرن نوزدهم در ابعاد قابل ملاحظه در اصفهان رخ نموده است. محلات قدیمی و فقیرنشین شهر مانند جویباره (محل سکونت اقلیت کلیبی شهر اصفهان) در دشت و شهشهان و طوقچی، با تفاوت‌های مختصری در نوع ترکیب جمعیت و شدت و ضعف در زاغه‌نشینی محکوم به این نوع زندگی غیرانسانی و مشقت‌بار بوده‌اند.

تاریخ حاشیه‌نشینی اصفهان نسبتاً جدیدتر و هم‌زمان با نهضت صنایع جدید نساجی در اصفهان از اواسط دوره‌ی پهلوی اول آغاز می‌شود. در آن زمان حاشیه‌نشینی کارگران نساجی در محلات طوقچی و مفت‌آباد (کوله پارچه) و در حوالی گورستان تخت فولاد و در جنوب شرقی اصفهان تظاهر نموده و رفته رفته با توسعه‌ی صنایع و تشدید نیاز به کارگران صنعتی به ویژه بعد از پایه‌گذاری صنعت ذوب‌آهن در سال ۱۳۴۶ در مجاورت اصفهان، روبرو به فزونی گذاشت و مناطقی مانند صحرا روغن و دستگرد در غرب اصفهان، مفت‌آباد در جنوب شرقی و مسیر جاده‌ی زینبیه، در شمال شرقی و روستاهای شمال شهر اصفهان و مزارع و روستاهای غربی یعنی در کنار جاده‌ی ذوب‌آهن را در بر گرفت.

از ویژگی‌های زاغه‌نشین‌های دارک و ارزنان اصفهان بافت قومی ناهمگون است. فقرای روستاها و شهرهای کوچک مختلف ایران در این مناطق جمع هستند. آنها دارای تعداد زیادی بچه با خانه‌های محقر در محله‌های کثیف با تغذیه‌ای نامناسب روبرو هستند. نوجوانان و جوانان بدلیل نبود امکانات تفریحی و رفاهی بسرعت جذب باندهای سرقت و مواد مخدر می‌شوند.

مطالعه موردی

بمنظور مطالعه حاشیه‌نشینی، مطالعه‌ای میدانی در محله‌های حاشیه‌ای اصفهان انجام گرفت. مکان مورد مطالعه، محله‌های ارزنان و دارک واقع در زینبیه، منطقه ۷ شهری می‌باشد. در ابتدا فرضیه‌هایی بشرح زیر ارائه گردید:

- ۱) میان حاشیه‌نشینی و جرم ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
- ۲) میان حاشیه‌نشینی و فقر ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
- ۳) میان حاشیه‌نشینی و بیکاری ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
- ۴) میان حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

۵) میان حاشیه‌نشینی و نابرابری اجتماعی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

۶) میان حاشیه‌نشینی و تنوع فرهنگی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

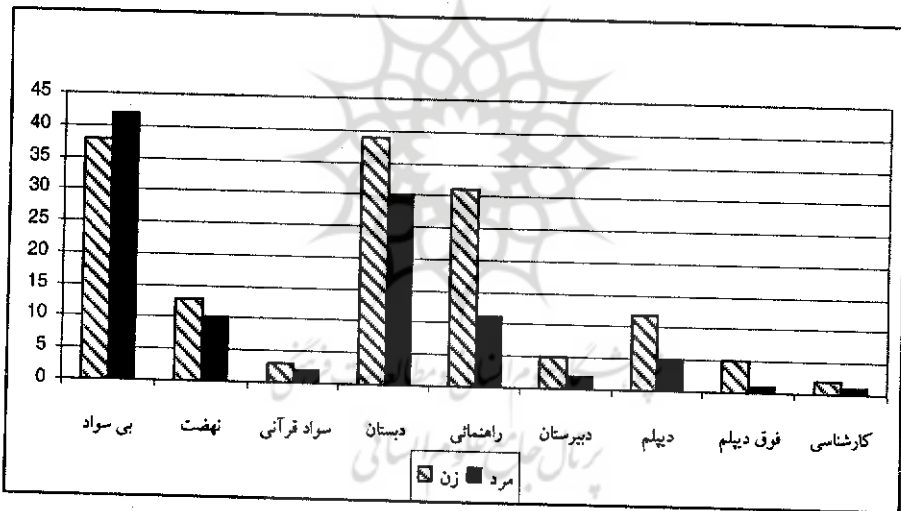
یافته‌های تحقیق

الف) آمارهای توصیفی:

براساس داده‌های جمع‌آوری شده ۸۴/۵ درصد پاسخگویان حاشیه‌نشین و ۱۵/۵ درصد بومی منطقه هستند که از این میزان ۵۸/۷ درصد مرد و ۴۱/۳ زن می‌باشند.

وضعیت سواد: ۳۳/۷ درصد بی‌سواد، ۳۶/۵ درصد تحصیلات ابتدایی و ۱۶/۷ درصد سیکل،

۹/۵ درصد دیپلم و ۳/۶ درصد دارای مدرک کارشناسی می‌باشند.



نمودار ۱: توزیع پاسخگویان براساس جنس و تحصیلات

وضعیت تاهل: ۹۱/۳ متاهل هستند و ۵/۶ درصد مجرد و ۱/۲ درصد پاسخگویان مطلقه، ۲

درصد هم فوت همسر، ۶۲/۳ درصد دارای ۸-۳ فرزند می‌باشند.

افراد مجرد شامل کسانی است که سرپرستی خانواده خود را به عهده دارند و به علت فوت

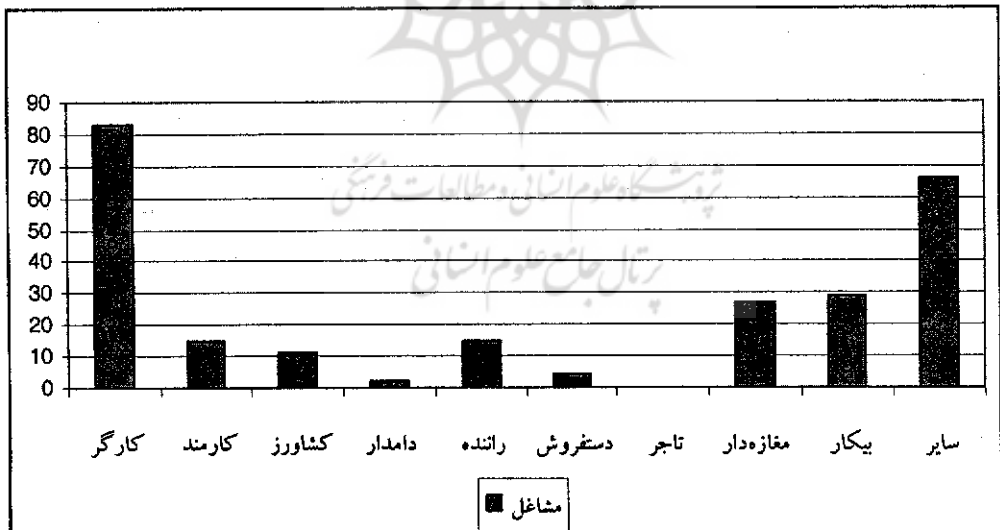
پدر یا هر دو والد، هزینه‌ی خانه و کسب درآمد بر عهده اوست زیرا پاسخگویان ما شامل سرپرست

خانواده می‌باشد. ۳ درصدی هم که مطلقه یا فوت همسر می‌باشند خانمها را شامل می‌شود که با

کار در خانه‌های مردم وظیفه‌ی سرپرستی خانواده خود را بر عهده دارند.

شغل و درآمد پاسخگویان: ۳۲/۹ درصد پاسخگویان کارگر ساده بودند و ۲۶/۲ درصد شغل‌های متفرقه از قبیل: خیاط، آرایشگر، معلم، لوله‌کش، جوشکار، پارچه‌فروش، بنا، مکانیک، فرش‌باف و...، ۱۱/۵ درصد نیز بیکار بوده‌اند و بیش از ۳۹ درصد پاسخگویان دارای مشاغل متفرقه و یا بیکار بوده‌اند. حاشیه‌نشینان به علت نداشتن فن و تخصص و همچنین سواد، بیشتر به مشاغل کاذب یا بدون مهارت روی می‌آورند و اگر به هنگام صبح از فلکه‌ها یا میدان‌های شهر عبور کرده باشید ممکن است تعداد زیادی از این قشر را که به انتظار نشسته‌اند تا کسی آنها را برای کارهای ساختمانی یا حمل بار به صورت روزمزد استخدام کند دیده باشید.

کارمند ۶ درصد، کشاورز ۴/۴ درصد، دامدار ۰/۸ درصد، راننده ۶ درصد، دستفروش ۱/۶ درصد، مغازه دار ۱۰/۷ درصد و چیزی به اسم مغازه به شکل شهری آن وجود ندارد. برخی مردم در خانه و یا در اتاقکی به فروش قدری مواد خوراکی و سیگار مشغولند که البته تعدادی نیز شغل‌هایی در رده‌ی دستفروشی داشته‌اند که پاسخگویان آنها را در زمره‌ی شغل‌های متفرقه ذکر نمودند (مثل واکسی، لباس فروش، دوره گرد، میوه فروش دوره گرد و ...)



نمودار ۲: توزیع پاسخ‌گویان بر اساس نوع شغل

قومیت پاسخگویان

۱۹ درصد پاسخگویان افغانی و عراقی می‌باشند و ۸۱ درصد ایرانی که تلفیقی از زبانهای گوناگون که از شهرها و روستاها به این مناطق آورده اند. ۱۷/۵ درصد از این تعداد لر می‌باشند و ۵۶/۳ درصد فارس و کمترین میزان مربوط به کردها که حدود ۰/۴ درصد می‌باشد و ۶ درصد ترک. یکی از ویژگیهای این مناطق بافت قومی ناهمگون آن است. این ناهمگونی در زبان، لهجه و فرهنگ آنها هویداست و هر فرهنگی آداب و سنن مخصوص به خود دارد و همان گونه که می‌دانید گویش‌ها در هر نقطه از ایران با هم متفاوت است. تمامی فقرای روستاها و شهرهای کوچک از استانهای مختلف و حتی خارجان (افغانی و عراقی) در این مناطق جمع هستند. عده‌ای انسانهای محروم، معلول، بیکار، بی‌خانمان و از اقلیتهای قومی مختلف.

توزیع پاسخگویان بر اساس ملیت آنها

ملیت	فراوانی	درصد
ایرانی	۲۰۴	۸۱
خارجی	۴۸	۱۹
کل	۲۵۲	۱۰۰

مسکن حاشیه‌نشینان

۵۹/۵ درصد پاسخگویان دارای خانه‌های شخصی هستند و این به خاطر طرز تفکر ایرانی‌ها می‌باشد که اگر پولی فراهم کردند ابتدا خانه بخرند و البته سند بیشتر این خانه‌ها مشاع می‌باشد. ۳۲/۱ درصد پاسخگویان دارای منزل اجاره‌ای هستند و بیشتر آنها حتی قادر به پرداخت اجاره بها نیستند و به علت مشابه بودن وضعیت صاحبخانه با مستاجر تا حدود زیادی با هم کنار می‌آیند و یا اجاره بهای کمتری می‌پردازند. ۴/۸ درصد از پاسخگویان در منازل سازمانی، واگذاری و اهدایی سکونت دارند. ۳۱/۳ درصد در خانه‌هایی با متراژ کمتر از ۸۰ متر مربع زندگی می‌کنند و ۶۲/۳ درصد آنها دارای ۳-۸ فرزند می‌باشند که با این مساحت کم خانه غیر قابل تحمل است و در مجموع ۵۲/۱۱ درصد در خانه‌هایی با متراژ کمتر از ۱۰۰ متر مربع و ۴۶/۹ درصد آنها در خانه‌هایی با متراژ بیش از ۱۰۰ متر مربع زندگی می‌کنند.

نوع مصرف مواد غذایی

۹۵/۳ درصد پاسخگویان نان را به مقدار زیاد و از نظر ۴/۸ درصد نان به میزان متوسط مصرف می‌شود. از نظر ۹۰/۵ درصد برنج به میزان زیاد، ۶ درصد متوسط و ۰/۴ درصد به میزان کم. از نظر ۴۰/۵ درصد پاسخگویان لبنیات به مقدار زیاد و ۳۲/۹ درصد به میزان متوسط و ۲۶/۶ درصد لبنیات را به میزان کم مصرف می‌کنند. از نظر ۲۹/۴ درصد گوشت به مقدار زیاد و ۱۳/۵ درصد متوسط و ۵۷/۱ درصد به مقدار کم. ۱۴/۳ درصد مرغ را به میزان زیاد و ۱۳/۹ درصد متوسط و ۷۱/۸ درصد مرغ در سفره آنها وجود ندارد. ۷۳/۴ درصد پاسخگویان سبزی‌هایی از قبیل سیب‌زمینی و بادمجان را به میزان زیاد که جزو مواد اصلی غذایی را تشکیل می‌دهد و ۹/۵ درصد متوسط و ۱۷ درصد به میزان کم مصرف نموده‌اند. ۲۰/۳ درصد پاسخگویان میوه‌ها را به میزان زیاد، ۲۰/۲ درصد متوسط، ۵۹/۵ درصد به میزان کم میوه مصرف می‌کنند. ۳۴/۵ درصد تخم‌مرغ را مقدار زیاد و ۲۸/۲ درصد تخم مرغ را به اندازه متوسط و ۳۷/۳ درصد به مقدار کم مصرف می‌کنند. کمبود دریافت ارزشهای خوراکی باعث بروز بیماری‌های گوناگون و عفونت می‌شود. در پی بد خوراک، کاهش اشتها، ناهماهنگی در سوخت و ساز بدن و کاهش بهره‌گیری از همان مواد اندک خوراکی دریافت شده و اختلالات دیگر آشکار می‌شود. این اختلالات در دید، شکل جسمانی، فوه تخیل و ذهن، یادگیری و... نمایان می‌شود. فقر جسمانی توأم با فقر فرهنگی است. جهل و نادانی به همان میزان فرهنگ غلط، در میان کادرهای نارسا و وابسته به ایدئولوژی مسموم و خفقان آور زیان می‌رساند و این مردم را آماده‌ی پذیرش فشارهایی می‌کند که از خارج به وسیله‌ی رسانه‌ها وارد می‌شود.

طبقه اجتماعی

در این جامعه نمونه طبقه بالا و مرفه نداشتیم. اکثر پاسخگویان از طبقه پایین پایین و طبقه پایین می‌باشند که حدود ۵۳/۲ درصد متعلق به طبقه پایین پایین و ۴۰/۸ درصد به طبقه پایین که جمعاً ۹۳ درصد را شامل می‌شوند و تنها ۶ درصد پایگاه اجتماعی متوسط دارند که آنها هم غیر حاشیه‌نشین می‌باشند. بنابراین منطقه مورد مطالعه محل سکونت قشر فقیر جامعه می‌باشد که اکثراً زیر خط فقر هستند.

اوقات فراغت فرزندان حاشیه‌نشین

۵۷/۵ درصد اوقات فراغت بچه‌ها صرف تماشای تلویزیون می‌شود و ۲۴/۶ درصد از بچه‌ها به پرسه‌زنی در کوچه و خیابان مشغولند، ۱۷/۰۶ درصد اوقات فراغت ندارند و همچنین ۱۷/۰۶ درصد همراه والدین به دید و بازدید اقوام می‌روند که البته این درصد بیشتر شامل غیر حاشیه‌نشینان می‌باشد و ۱۱/۵ درصد در کلاسهای آموزشی ثبت نام کرده‌اند که والدین، این کلاسها را شامل تجدیدی و دوس یا تقویتی دروس مدرسه ذکر کردند.

۱۱/۱ درصد به کار صنایع دستی که همان قالی بافی می‌باشد مشغولند. ۱۰/۷ درصد مطالعه کتاب یا مطبوعات را در اوقات بیکاری در برنامه‌ی خود قرار داده‌اند که این میزان به نسبت ۴۱/۶ درصد که وقت خود را به پرسه‌زنی در کوچه‌ها و خیابانها و ولگردی می‌گذرانند. فقط ۷/۵ درصد از نوجوانان و جوانان حاشیه‌نشین به ورزش می‌پردازند و به علت نبودن امکانات باشگاهی و میدانهای ورزشی جوانان بیشتر جذب باندهای قاچاق یا گروههای دزدی می‌شوند و فقط ۷/۱ درصد به پارک می‌روند که اکثر مواقع بدون اجازه پدر و مادر صورت می‌گیرد و به همراه دوستان خود به پارکهای مرکز شهر می‌روند که البته با گفتگویی که با برخی از این جوانان شد بدون پروا علت رفتن خود به پارک را برای دزدی و یا توزیع مواد مخدر عنوان کردند.

اوقات فراغت پاسخگویان

۳۲/۹ درصد پاسخگویان تماشای تلویزیون را برای زمان فراغت خود ذکر کرده‌اند و ۲۲/۲ درصد صنایع دستی که البته صنایع دستی این دو منطقه شامل قالیبافی (کمک به درآمد خانواده) و خیاطی می‌باشد، چه زن و چه مرد و همچنین دختران و پسران قالی می‌بافند و قالیبافی مهمترین منبع درآمد آنها می‌باشد و صنایع دستی خاص دیگری دیده نشد. ۱۱/۵ درصد پاسخگویان اوقات فراغتی ندارند چون به صورت کارگر تمام وقت (روزمزد) می‌باشند یا کار در خانه‌های مردم که وقتی برای فراغت آنها باقی نمی‌گذارد. ۱۳/۸ درصد پاسخگویان دید و بازدید اقوام را عنوان کردند که این درصد بیشتر شامل غیر حاشیه‌نشینان منطقه می‌باشد. ۱۱/۱ درصد شب‌نشینی با خانواده یا دوستان و ۷/۱ درصد مطالع کتاب و ۱/۲ درصد ورزش را در وقت بیکاری خود عنوان کردند و جمعاً حدود ۶۹/۳ درصد پاسخگویان اوقات فراغت خود را به بطالت می‌گذرانند.

میزان دسترسی پاسخگویان به امکانات دولتی

آنها برای رفتن به سینما یا تاتر یا مراکز آموزش عالی از قبیل دانشگاه زمانی حدود ۳ تا ۵ ساعت را طی می کنند تا به مرکز شهر برسند که البته این زمان به خاطر استفادهی آنها از اتوبوس یا مینی بوس می باشد که بودجهی کمتری در بردارد به علت دور بودن این مراکز و همچنین خانه ها و کانونهای فرهنگی از رفتن به این مکانها تا حد امکان دوری می کنند. ۴۰/۴ درصد پاسخگویان نزدیک بودن خانهی آنها به خانه بهداشت را ذکر کردند ولی ساعت این مراکز بهداشتی تا هنگام ظهر می باشد و اگر کسی بخواهد به نزدیکترین درمانگاه مراجعه کند باید به زینیه برود و البته از ابتدای ارزانان تا رسیدن به درمانگاه به علت ماشین رو نبودن منطقه مسافتی حدود ۱ تا ۱/۵ ساعت را باید پیاده بروند تا بتوانند از امکانات بهداشتی، مخابرات و پست استفاده کنند و البته این مسافت را کودکان و سالخوردهگان و بیماران نمی توانند طی کنند. ۲۳/۳ درصد پاسخگویان نزدیک بودن یک کلانتری و پایگاه بسیج را عنوان کردند که البته به هنگام درگیری و نزاع متاسفانه خبری از نیروهای پلیس نمی باشد. ۲۱/۸ درصد مخابرات را در منطقه زینیه گفتند که البته تا محله های دارک و ارزانان مسافت زیادی است و اکثراً گوشی های تلفن خراب می باشد و به هنگام ضرورت نمی توانند از تلفن استفاده کنند و ۲۱/۶ درصد پست را که آنها در منطقه زینیه می باشد و برای پست نامه سفارشی مجبور هستند به آنجا بروند و البته وجود آژانس های پستی در این مناطق با این جمعیت زیاد به نظر لازم می آید. فقط ۱/۹ درصد مجتمع آموزشی و فرهنگی را که باز در منطقه زینیه می باشد ذکر کردند و البته این رقم وسیله رفت و آمد فرزندانشان را بر هزینه برآورد کردند.

نوع مواجهه پاسخگویان با مشکلات مالی

۴۰/۱ درصد پاسخگویان به هنگام مواجه شدن با مشکلات مالی وام از قرض الحسنه می گیرند و ۹/۱ درصد از بانک، آنان علت نگرفتن وام از بانک را بهرهی بالای آن و نداشتن ضامن معتبر و مشکل در پرداختن قسطهای وام ذکر نمودند. ۲۷/۴ درصد قرض از دوستان و اقوام و ۶/۷ درصد قرض از همسایه ها و ۱۶/۳ درصد که عمدتاً افغانی و عراقی بودند یا دوست و آشنایی نداشتند تا به آنها کمک کند، توکل به خدا و مدد از خداوند را ذکر کردند. ۵۶/۴ درصد پاسخگویان از لحاظ وابستگی مالی در موقع بیکاری به یکی از اعضای خانواده خود وابسته می باشد. از این تعداد ۱۸/۳ درصد به فرزندان خود (پسر یا دختر)، ۱۵/۱ درصد به خواهر یا برادر خود و ۲۰/۶ درصد به پدر

یا مادرشان وابسته هستند و فقط ۹/۹ درصد از کمکهای کمیته امداد یا سازمانهای خیریه استفاده می‌کنند و ۳۳/۷ درصد به هیچکدام از اعضای خانواده و سازمانهای خیریه وابسته نیستند.

وضعیت جسمانی

۸۸/۵ درصد پاسخگویان در سلامت کامل می‌باشند و فقط درگیر برخی از بیماریهای پوستی، مسری یا کمردردها و بیماریهای روان و اعصاب دچار هستند. ۱۰/۷ درصد پاسخگویان در زمره‌ی افراد غیر سالم از لحاظ ظاهر جسمانی می‌باشند که ۸/۷ درصد معلول دست یا پا بر اثر سانحه می‌باشند و در گوشه خانه افتاده‌اند. حاشیه‌نشینان عنوان کردند در هنگام بروز بیماریهای سخت مثل تصادف و یا به هنگام عمل، هزینه بیمارستان و ویزیت دکتر را ندارند.

مشارکت گروهی

۳۷/۳ درصد در انتخابات شرکتی نداشته‌اند و کمترین میزان شرکت مربوط به انجمن اولیاء و مربیان می‌باشد که ۶/۳ درصد است و این خود نشان دهنده عدم رغبت یا عدم تمایل پاسخگویان به وضعیت فرزندانشان است. ۳۳/۳ درصد از حاشیه‌نشینان در هیچکدام از انتخابات شرکتی نداشته‌اند و بیشترین میزان شرکت آنها مربوط به انتخابات ریاست جمهوری که حدود ۲۵/۸ درصد است می‌باشد. از آنجا که مشارکت و حضور افراد و گروهها، عنصری لازم در تعریف و به رسمیت‌شناسی مسایل اجتماعی است، در نبود این حضور طبقات و گروههای به حاشیه رانده شده، امکان طرح مسایل خود را نمی‌یابند. حاشیه‌نشینان به علت عدم مشارکت اجتماعی مجال آنرا پیدا نمی‌کنند تا از راههای قانونی به تعریف و برجسته سازی مسایل خود پردازند.

منابع اطلاعاتی پاسخگویان

۱۹/۵ درصد پاسخگویان منابع اطلاعاتی خود را از اهالی محل و همکاران به دست می‌آورند و ۶۳/۲ درصد از تلویزیون که این خود جای امیدواری است که تلویزیون به عنوان یک منبع خبری جایگاه ویژه‌ای در بین مردم پیدا کرده است و بر سازمان صدا و سیما است که اخبار را به صورت واقعی و صحیح آن به مردم برساند. رسانه‌ها می‌توانند در آموزش صحیح مردم چه از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در شکل دهی به استعدادها و شکوفایی آنها و در بالا بردن فرهنگ قشر

حاشیه‌نشین کمک قابل توجهی به آنها بکنند، آموزشی که هر چند در ابتدا اثری ناچیز دارد ولی در بلند مدت می‌تواند قابل توجه باشد.

روابط اجتماعی

۳۳/۷ درصد کمک افراد پاسخگو به زدو خورد می‌باشد که این زدو خورد و درگیری می‌تواند بین همسایه‌ها و یا اقوام یا قبیله‌های مختلف صورت گیرد و ۳۲/۹ درصد مربوط به بیماری است که البته فقط آنها در حد عیادت رفتن را ذکر نمودند و به علت نداشتن پشتوانه مالی در این موارد نمی‌توانند کمک خاصی به هم‌نوع خود بکنند و ۱۱/۹ درصد از پاسخگویان در مراسم‌های ویژه به کمک و یاری هم می‌آیند.

فعالیت‌های گروهی

به علت دور بودن از زادگاه و اقوام و خویشاوندان و همچنین نبود امکانات تفریحی و دور بودن به مرکز شهر ۵۰ درصد پاسخگویان در مراسم سوگواری و عزاداری شرکت می‌کنند و فقط ۲۰/۶ درصد در مراسم عروسی شرکت جسته‌اند. نیمی از پاسخگویان به علت فقدان امکانات دیگر و دسترسی نداشتن به سالنها و مراکز فرهنگی سینما و تئاتر مجبور هستند در این مراسم شرکت کنند که این خود زمینه‌ساز افسردگی می‌باشد. معمولاً هر چه طبقه اجتماعی فرد بالاتر باشد، احتمال مشارکت و درگیری‌اش در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر است. سطح مشارکت فعال در باشگاه‌های اجتماعی، انجمن‌های شهری، انجمن‌های خانه و مدرسه و سازمانهای سیاسی و همچنین باشگاه‌های ورزشی در میان طبقات پایین (به خصوص حاشیه‌نشینان) نازلتر است.

وضعیت مذهب

۶/۸ درصد پاسخگویان از مذاهب دیگر هستند و ۹۳/۳ درصد شیعه، که البته در روابط اجتماعی تاثیر گذار نمی‌باشد و صرف نظر از دین و مذهب، رابطه آنها بسیار خوب است. میزان پایندی آنها به اصول دینی ۴۹/۲ درصد بسیار زیاد و ۲۳/۴ درصد زیاد و ۲۳ درصد در حد متوسط، ۳/۲ درصد در حد کم و فقط ۱/۲ درصد اصلاً اعتقادی ندارند. میان طبقه اجتماعی و تعلقات مذهبی همبستگی نزدیکی برقرار است. مشارکت اعضای طبقه بالا در فعالیتهای مذهبی محدود است و بیشتر زمانی به این کار می‌پردازند که رسوم اجتماعی اقتضا کند. اعضای طبقه‌ی متوسط گرایش

به این دارند که بر یک مبنای اخلاقی و عاطفی در برابر جاذبه‌های مذهبی واکنش نشان دهند. اما اعضای طبقات پایین‌تر در برابر جاذبه‌های مذهبی بیشتر واکنش‌های عاطفی دارند و به همین دلیل طبقه پایین به فرقه‌های بنیادگرا و مدعی تجدید حیات دین بیشتر گرایش دارند.

در جواب به سوال عوامل افزایش بزهکاری در بین جوانان ۵۷/۹ درصد آنها گروه دوستان را باعث به خلاف کشیدن جوانان می‌دانند ۲۳ درصد محیط خانواده و ۱۲/۷ درصد محیط کار و ۶ درصد محیط آموزشی را مسبب بزهکاری جوانان می‌دانند.

عوامل روحی، روانی در شدت یافتن جرایم

۱۷/۹ درصد پاسخگویان احساس حقارت و حقیر شمرده شدن شخص را چه در خانواده و چه در گروه دوستان و همکاران را باعث افزایش جرایم ذکر نموده‌اند و همچنین ۱۵/۵ درصد افسردگی را که بر اثر نداشتن کار درست و حسابی، و ۱۵/۹ درصد انتقام‌جویی‌های افراد از یکدیگر ذکر کرده‌اند. ۱۰/۳ درصد ترس را که در زندگی انسان ناشی از شکست، مرگ و ترس از دشواریها و مشکلات می‌باشد عنوان کردند. پرخاشگری همیشه به دنبال ناکامی است. مثلاً فردی که در محیط کار مورد تنبیه قرار گرفته و یا کودکی که در خانه مورد تحقیر قرار گرفته است ناراحت می‌شود و چون کارگر نمی‌تواند خشم خود را به کارفرما و یا کودک به پدر و مادر نشان دهد این پرخاشگری را به منابع دیگر منتقل می‌کند، که البته در میان حاشیه‌نشینان به علت برآورده نشدن خواسته‌هایشان خشم به شکل شدیدتر مثل آتش زدن، کتک کاری و فحاشی صورت می‌گیرد. در آمارهای بالا ۸/۷ درصد پاسخگویان پرخاشگری را در شدت یافتن جرایم مؤثر می‌دانند. ۱۱/۵ درصد احساس شکست را به عنوان یک عقده مطرح کردند که شخص را از بسیاری موفقیت‌ها و پیروزی‌ها محروم می‌کند. در پایان، سلامت روانی به طبقه اجتماعی فرد بستگی دارد، هر چه طبقه اجتماعی فرد بالاتر باشد، احتمال اختلال روانی‌اش کمتر است. درمان اختلال روانی به طبقه اجتماعی بستگی دارد.

امنیت منطقه

بیشتر افراد معتقدند که دو پدیده استعمال و مصرف مواد مخدر به دفعات در منطقه دیده می‌شود. استعمال مواد مخدر از نظر ۸۰/۲ درصد پاسخگویان زیاد و ۶/۵ درصد متوسط و ۱۳/۹

درصد کم می‌دانند. فروش و قاچاق مواد مخدر به نظر ۸۰/۹ درصد زیاد، ۹/۵ درصد متوسط و ۹/۵ درصد کم است. این آمار نشان دهنده‌ی زیاد بودن اعتیاد و قاچاق مواد در منطقه است. ۸۶/۱ درصد پاسخگویان میزان بیکاری در منطقه را زیاد، و ۶/۳ درصد متوسط، و از نظر ۷/۶ درصد این میزان کم است. این آمار خود گویای واقعیت جامعه حاشیه نشینان است. ۴۸/۱ درصد پاسخگویان اختلاف و درگیریها را در منطقه زیاد بازگو می‌کنند که البته نسبت آن به گذشته کمتر شده و این درگیر شدن آنها با فرهنگ شهری را نشان می‌دهد که شهرنشینی آنها را مجبور به تسلیم فرهنگ شهری کرده است، ۲۲/۲ درصد آن را متوسط، و ۲۹/۷ درصد آن را کم می‌دانند. اما سرقت، قتل و رابطه نامشروع نیز درصد کمتری در آن منطقه وجود دارد. البته سرقت بیشتر در خود شهر و در بیشتر مواقع توسط افراد حاشیه‌نشین صورت می‌گیرد و چون در خود منطقه به علت فقر و تنگدستی چیزی برای دزدیدن ندارند. اصولاً قتل و بخصوص روابط نامشروع بیشتر به صورت مخفیانه و کمتر نمود ظاهری دارد. حاشیه‌نشینی از جمله پدیده‌هایی است که کمک می‌کند بزهکاری به طور گسترده‌ای رواج یابد. ساکنان این مناطق بسیار فقیر، فاقد تخصص و اغلبشان بیکار هستند، به همین خاطر اغلب آنها جذب باندهای قاچاق مواد مخدر شده و یا در سایر فعالیتهای «غیر قانونی» شرکت می‌کنند.

بر مبنای یافته‌های بدست آمده، شاهد آلونک‌نشینی و با شکل‌گیری مجموعه‌های مسکونی حاشیه‌ای و یک شبه ساخت هستیم که این خود حاکی از وجود رشد بی‌ضابطه و خود رو می‌باشد که همین امر جامعه شهری را با موانع ساختاری جدی مواجه کرده است. بافت حاشیه‌ای و خودرو با مشخصه‌هایی چون پراکنده رویی، بی‌نظمی در ابعاد و ترکیب قطعات، اندازه کم قطعات و زیر بنای واحدهای مسکونی، بی‌نظمی در دسترسی و امثال آن مشخص می‌شوند. در نهایت با افزایش تراکم، شکل‌گیری محورهای ارتباطی و بدنه‌های تجاری، برخی عناصر جدید شهری چون پست و مخابرات، مراکز خدماتی و تجاری جدید را جذب می‌کنند. اما مجموعه عناصر و فضاها هیچگاه در ترکیب سازگار و همساز با بدنه‌ها و جداره‌های شهری به محورهای اصلی و فرعی تبدیل نشده و مجموعه سیمای کالبدی هنوز به روستا گرایش دارد. و درچنین شرایطی، طبیعی است که تحت قاعده درآوردن چنین بافت‌هایی، جدی‌تر نیازمند تعامل و تفاهم، برنامه ریزی، قانون گذاری و مدیریتی است.

۱- بررسی فرضیه «ارتباط بین حاشیه‌نشینی و فقر»

به توزیع این دو متغیر در جدول زیر توجه کنید:

جدول شماره ۱

کل		غیر حاشیه‌نشینی		حاشیه‌نشینی		وضعیت فقر
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶۵/۹	۱۶۶	۲/۸	۷	۶۳/۱	۱۵۹	زیاد
۳۳/۷	۸۵	۱۲/۳	۳۱	۲۱/۴	۵۴	متوسط
۰/۴	۱	۰/۴	۱	-	-	کم
۱۰۰	۲۵۲	۱۵/۵	۳۹	۸۴/۵	۲۱۳	کل

آمار فوق نشان دهنده فقر بسیار بالا در این جامعه آماری می‌باشد که البته غیر از جواب خود پاسخگویان از ظاهر زندگی آنها و همچنین چند خانوار در یک خانه کوچک سکونت داشتن، بدون کمترین امکانات زندگی، ناراحتی و تالم را برای پرسشگر به همراه داشته است. ۶۵/۹ درصد پاسخگویان از فقر و نداری شکایت دارند، که از این تعداد ۶۳/۱ درصد از افراد حاشیه‌نشین هستند. به هر حال ارتباط حاشیه‌نشینی و فقر با سطح معنی‌داری تأیید گردید. آنها برای فرار از بیکاری در زادگاه خود، پناهگاهی بدتر را برگزیده‌اند که نه تنها از خویشان خویش دور گشته، بلکه دچار بسیاری از ناملازمات شهر گشته‌اند و زندگی ساده و بی‌آلایش آنها در شهر رنگ ریا گرفته و آن چنان در گیر شده‌اند که روی بازگشت ندارند یا اگر دارند کاری در آنجا سراغ ندارند.

جدول ۱-۱: ضرایب همبستگی حاشیه‌نشینی و فقر

ضرایب	میزان	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
خی دو	۵۰/۱۹	۲	۰/۰۰۰
کرامر	۰/۴۴۶	۲	۰/۰۰۰

همانطور که از میزان ضرایب مشخص می‌شود فرضیه تأیید شده است. یعنی هر چه میزان حاشیه‌نشینی افزایش یابد فقر بیشتری به دنبال دارد. پس رابطه مستقیم و مثبت است.

۲- بررسی فرضیه «رابطه حاشیه‌نشینی و جرم»

جدول شماره ۲

کل		غیر حاشیه نشینی		حاشیه نشینی		وضعیت جرم
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۱/۲	۱۲۸	۶/۴	۱۶	۴۴/۸	۱۱۲	زیاد
۳۹/۶	۹۹	۶/۰	۱۵	۳۳/۶	۸۴	متوسط
۹/۲	۲۳	۲/۴	۶	۶/۸	۱۷	کم
۱۰۰	۲۵۰	۱۴/۸	۳۷	۸۵/۲	۲۱۳	کل

Chi=70/56 Df=2 Sig=0/000

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌فرمایید، حدود ۵۱/۲ درصد یعنی ۱۱۲ نفر اعتقاد دارند که جرم و انحراف در منطقه بسیار زیاد است و ۳۹/۶ درصد یعنی ۹۹ نفر معتقد به این که جرم در حد متوسطی قرار دارد و فقط ۹/۲ درصد معتقد به کم بودن جرم در منطقه می‌باشند. نکته قابل ذکر آن است که میزان فروش و استعمال مواد مخدر در این دو منطقه بسیار زیاد است. برای آزمون این فرضیه از طریق ناپارامتری و ضریب خی دو استفاده شده است و میزان آن برابر با ۷۰/۵۶ شد، با توجه به این میزان و سطح معنی‌داری میتوان نتیجه گرفت که فرضیه «ارتباط بین حاشیه‌نشینی و جرم»، با اطمینان بیش از ۹۹ درصد (sig=0/000) تایید شده است. انحراف در منطقه حاشیه‌نشین بصورت یک پاره فرهنگ درآمده است که این پاره فرهنگها در پیرامون گروههایی نظیر معتادین، زندانیان، باجگیران، منحرفین جنسی و گروه‌های بزهکار شکل می‌گیرد.

۳- بررسی فرضیه « رابطه بین حاشیه نشینی و بیکاری »

جدول ۳

کل		غیر حاشیه نشینی		حاشیه نشینی		وضعیت بیکاری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴۲/۹	۱۰۸	۹/۱	۲۳	۳۳/۷	۸۵	بالا
۵۱/۶	۱۰۳	۵/۶	۱۴	۴۶/۰	۱۱۶	متوسط
۵/۶	۱۴	۰/۸	۲	۴/۸	۱۲	پائین
۱۰۰	۲۵۲	۱۵/۵	۳۹	۸۴/۵	۲۱۳	کل

$$\text{Chi}=70/56 \quad \text{Df}=2 \quad \text{Sig}=0/000$$

برای آزمون این فرض از طریق ناپارامتری و آزمون کای اسکور استفاده شده است. براساس نتایج بدست آمده میتوان گفت که بین این دو متغیر رابطه وجود دارد، به بیان دیگر هر چه میزان بیکاری فزونی یابد احتمال حاشیه‌نشینی شدن فرد زیادتر می‌شود. همانطور که از جدول روشن است ۹۴/۵ درصد بیکاری در حد متوسط و بالایی قرار دارد و تنها ۵/۶ درصد پاسخگویان معتقدند به این که بیکاری در منطقه پایین است. در هر صورت میزان خنی‌دو بدست آمده، نشان می‌دهد که فرضیه «رابطه بین حاشیه‌نشینی و بیکاری» تایید می‌شود. سطح اطمینان این بررسی بسیار بالا می‌باشد. به بیان دیگر احتمال خطا بسیار پایین است.

به بیان دیگر میتوان گفت: عوامل مختلف از جمله در آمد پایین، بیکاری، وجود شرایط سخت در مجل زندگی و ... باعث می‌شود فرد با کوله باری از امید به سوی شهر رهسپار شود که نتیجه آن استمرار بیکاری فرد می‌شود و اثرات منفی که بر ساختمان و جامعه شهری می‌گذارد.

۴- بررسی فرضیه « رابطه حاشیه نشینی و نابرابری اجتماعی »

جدول ۴

کل		غیر حاشیه نشینی		حاشیه نشینی		نابرابری اجتماعی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶۴	۱۴۶	۰/۴	۱	۶۳/۶	۱۴۵	زیاد
۳۳/۸	۷۷	۱۲/۷	۲۹	۲۱/۱	۴۸	متوسط
۲/۲	۵	۱/۸	۴	۰/۴	۱	کم
۱۰۰	۲۲۸	۱۴/۹	۳۴	۸۵/۱	۲۱۳	کل
۹/۵	۲۴	۲/۱	۵	۷/۵	۱۹	بدون جواب

نابرابری اجتماعی به طور کاملاً محسوس در منطقه هویدا است. فقیر در امکانات زندگی، فقیر در منزلت اجتماعی، فقیر از لحاظ توانایی در جهت کسب موفقیت، درجه و حیثیت اجتماعی. ۶۴ درصد پاسخگویان از نابرابری اجتماعی رنج می‌برند و فقط ۲/۲ درصد پاسخگویان از امکانات برابر اجتماعی استفاده می‌کنند که البته آن نیز با شهرنشین‌ها در تضاد است. به هر صورت فرض مورد نظر نشان می‌دهد که بین حاشیه‌نشینی و نابرابری اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و این رابطه با سطح معنی‌داری مورد تایید قرار می‌گیرد. با اطمینان به ۹۹ درصد.

جدول ۴-۱: ضرایب همبستگی و نابرابری اجتماعی

ضرایب	میزان	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
کای اسکوار	۷۱/۳	۲	۰/۰۰۰
کرامر	۰/۵	۲	۰/۰۰۰
گاما	۰/۹	۲	۰/۰۰۰

۵- بررسی فرضیه « رابطه بین حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی »

جدول ۵

مشارکت اجتماعی	حاشیه‌نشینی		غیر حاشیه‌نشینی		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بالا	-	-	۲	۰/۸	۲	۰/۸
متوسط	۶۲	۲۵/۷	۱۸	۶/۵	۸۰	۳۳/۲
پائین	۱۴۰	۵۸/۱	۱۹	۷/۹	۱۵۹	۶۶
بدون جواب	۱۱	۱/۰	-	-	۱۱	۱/۰
کل	۲۱۳	۸۴/۸	۳۹	۱۵/۲	۲۵۲	۱۰۰

$$Z=-4/39 \quad Df=1 \quad Sig=0/000$$

$$Chi=14/81 \quad Df=2 \quad Sing=0/001$$

با استفاده از داده‌های جدول، مشاهده می‌شود که اکثر ساکنین مشارکت اجتماعی ضعیفی چه با یکدیگر و چه با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، دارند که ۶۶ درصد دارای چنین وضعیتی هستند و ۵۸/۱ درصد مربوط به کسانی است که ویژگی‌های حاشیه‌نشینی را دارا هستند و ۱۹ درصد مربوط به غیر حاشیه‌نشینان است. برای سنجش ارتباط بین دو متغیر از آزمون کای اسکور استفاده شده است و با کمک سطح معنی‌داری میتوان درصد اطمینان را تعیین کرد یعنی این ارتباط بیش از ۹۹ درصد اطمینان تایید می‌شود. به بیان دیگر «بین حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی» ارتباط وجود دارد و به این گفته بیش از ۹۹ درصد اطمینان است و ویلکا کسون ($Z=-4/93$) به دست آمده بدین معنی است که عکس بین این دو متغیر وجود دارد، یعنی هر چه حاشیه‌نشینی شدیدتر باشد، مشارکت اجتماعی ضعیفتر می‌باشد. از طرف دیگر نتایج تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که هر چه پیوندهای احساسی در درون گروه قوی‌تر باشند، پیوندهای اجتماعی بین اعضا نیز قوی‌تر می‌گردند و بر عکس می‌تواند باعث از هم پاشیدگی گروه و وحدت آن به دست دهد و این انسجام و وحدت در بین خود حاشیه‌نشینان تا حدودی منسجم ولی در ارتباط با جامعه بزرگتر، ضعیف و کم‌رنگ است.

۶- بررسی فرضیه « ارتباط بین حاشیه نشینی و تنوع فرهنگی »

جدول ۶

کل		غیر حاشیه نشینی		حاشیه نشینی		وضعیت تنوع فرهنگی
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴۵	۱۱۲	۵/۲	۱۲	۳۹/۸	۹۹	بالا
۵۴/۶	۱۳۶	۱۰/۴	۲۶	۴۴/۲	۱۱۰	متوسط
۰/۴	۱	-	-	۰/۴	۱	پائین
۱۰۰	۲۴۹	۱۵/۷	۳۹	۸۴/۳	۲۱۰	کل

همانطور که از داده‌های جدول پیداست مناطق دارک و ارزان دارای تنوع فرهنگی زیادی می‌باشد، که این تنوع با آمیخته شدن فرهنگهای مختلف و گویش‌های متفاوت، ناهنجاریها و انحرافات را در منطقه و شهر به وجود آورده است.

در هر صورت نتیجه به دست آمده نشان دهنده‌ی ارتباط بین حاشیه‌نشینی و تنوع فرهنگی می‌باشد.

جدول ۱-۶: ضرایب همبستگی بین دو متغیر حاشیه نشینی و تنوع فرهنگی

ضرایب	میزان	درجه آزادی	سطح معنی داری
کای اسکوار	۷۷/۴۵	۱	۰/۰۰۰
ویلکاکسون	-۸/۷۵	۱	۰/۰۰۰

همانطور که از میزان کای اسکوار و همچنین سطح معنی داری پیداست و با توجه به درجه آزادی میتوان نتیجه گرفت که فرضیه‌ها در سطح بالایی تایید شده است.

البته برای بررسی دقیقتر از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون (نوعی آزمون تی استیودنت) استفاده شد. میزان بدست آمده نشان دهنده، تایید فرضیه «رابطه حاشیه نشینی و تنوع فرهنگی» است. علامت این ضریب نشان دهنده جهت ارتباط است، بدین معنی که عکس بین این دو متغیر وجود دارد، یعنی هر چه حاشیه نشینی شدیدتر باشد، تنوع فرهنگی بیشتر است. سطح معنی داری میزان اطمینان ما را نشان می‌دهد. بنابراین با توجه به آن میتوان گفت نتایج بیش از ۹۹ درصد معنی دار است.

یافته‌های تحقیق میدانی

براساس بررسی‌های انجام شده در این تحقیق، از مشکلات عمده این مناطق فقدان امنیت اقامت (مالکیت زمین) می‌باشد. این مساله باعث عدم تمایل آنها در بهبود دادن به شرایط زندگیشان شده است. اکثر ساکنان به یک سیستم اعتباری و بانکی دسترسی ندارند، زیرا آنها فاقد هرگونه تضمینی برای وام هستند. مشاغل ساکنان بیشتر در حوزه مشاغل غیر رسمی و اکثراً از نوع مشاغل کاذب می‌باشند. کودکان و نوجوانان اوقات فراغتی ندارند و بیشتر کودکان در مخروبه‌ها و زیاله‌ها بازی می‌کنند. بعلاوه تنوع زیاد فرهنگی، زبانی، قومی و دینی همبستگی اجتماعی بسیار پایین و عدم مشارکت اجتماعی در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی را بدنبال دارد. جرایم و انحرافات اجتماعی و خشونت بسیار زیاد است. مراکز آموزشی و بهداشتی در این مناطق به نسبت جمعیت بالای آن با کمبود مواجه است، لذا در این رابطه سازمانهای دولتی و غیردولتی می‌توانند نقش فعالی در بکارگیری منابع زاغه‌نشینان برای افزایش مشارکت اجتماعی آنها، باعث توسعه برنامه‌های بهداشتی، آموزشی و تولید درآمد گردند و تاثیر قابل توجهی در توسعه واقعی داشته و تغییرات مهمی در ساختار کالبدی، محیطی و اقتصادی-اجتماعی یک شهر ایجاد کنند.

مهمترین برنامه‌ریزی‌هایی که باید در راستای اهداف مسئولان و برنامه ریزان شهری قرار گیرد به شرح زیر است:

۱- مدیریت و برنامه‌ریزی در کشاورزی و استفاده بهینه از منابع انسانی و استعدادهای نهفته اقلیمی (آب، خاک، محصول).

۲- توجه به روستاها و شهرهای کوچک و ایجاد اشتغال برای آنها.

۳- تسهیلات ویژه آموزشی برای روستاییان و شهرستانها. این تسهیلات اعم از اعطای بورس و وام تحصیلی، استفاده از امکانات آموزشی شهر در طی روزها و یا ماههای خاص برای فرزندان آنها همراه با وسایل ایاب و ذهاب.

۴- در صد زیادی مهاجران شهری را فقرا، افراد بی‌زمین و غیرماهری که اغلب از امکانات روستایی بی‌بهره هستند تشکیل می‌دهند که باید با بازگرداندن آنها به موطنشان، اعطای زمین از طریق وامهای طولانی مدت و آموزش آنها به کارهای فنی و تخصصی و دادن تسهیلات ویژه کار برای ایجاد مراکز تولیدی در روستاها و شهرهای کوچک اعم از مراکز قالیبافی، گلیم‌بافی، هنرهای

دستی و سنتی براساس هر بوم و منطقه جغرافیایی و گسترش مراکز فنی و حرفه‌ایی در دل شهرها، روستاهای کوچک و انگیزه دادن و یاری کردن آنها در ایجاد کارگاههای تولیدی کوچک و بزرگ.

۵- توجه دادن آنها به تولید مواد غذایی و وابسته بودن شهرنشین‌ها به تولیدات آنها.

۶- تسهیلات ویژه حمل و نقل و وسایل ارتباطی در جهت حمل کالاها و تولیدات روستاییان و جابجایی آنها.

۷- استفاده از تجربیات و شنیدن صحت‌های آنها در جهت کمک و یاری رساندن آنها.

۸- آموزش روستاییان با اثرات سوء و زیانبار مهاجرت به شهرهای بزرگ.

۹- ایجاد فرصتهای اشتغال برای زنان و دختران روستایی و ایجاد حس خودباوری در بین آنها.

راهکارهای ارائه شده برای مناطق مذکور (ارزنان و دارک):

بالا بردن کیفیت زندگی مردم باعث سلامت شهر خواهد شد.

۱- علت‌یابی هر جرم نیازمند بررسی جامعی از ابعاد مختلف جامعه از جمله زیست‌شناسی و روانشناسی و جامعه‌شناسی است.

۲- برخورد قاطعانه با قاچاقچیان و توزیع کنندگان مواد مخدر.

۳- ایجاد امنیت برای ساکنین محله از طریق افزایش نیروهای پلیس و همچنین آنها باید نظارت کامل نیروهای پلیس را حس کنند تا از دست زدن به کارهای خلاف اجتناب کنند.

۴- کمک به اشتغال آنها و یاد دادن فرهنگ شهرنشینی.

۵- ایجاد کارتهای اعتباری موقت برای ساکنین محله و استفاده از امکانات و تسهیلات ویژه با استفاده از این کارتها که البته توزیع این کارتها منوط به شناسایی خانواده‌های فقیر می‌باشد.

۶- سرشماری دقیق از مناطق حاشیه‌نشین و جلوگیری از افزایش آن.

۷- استقرار مکانهای تفریحی اعم از سینما، تئاتر، مجتمع‌های فرهنگی و... در مجاورت این مناطق.

۸- کمک به بازگشتن مهاجرین خارجی (افغانی و عراقی...)

۹- برخوردی دلسوزانه با مسایل و مشکلات حاشیه‌نشینی و آگاهی یافتن از مشکلات آنها.

۱۰- آشنایی حاشیه‌نشینان با مسایل دینی از جمله حلال و حرام بودن برخی از مشاغل..

۱۱- اعطای وام مصالح ساختمانی به حاشیه‌نشینان برای تعمیر و مرمت خانه‌هایشان.

نکته: وجود و پرداخت وام باعث می‌شود که این قشر متعهد باشند در قبال کمکهایی که به آنها

می‌شود خود را عضوی از جامعه بدانند و در وظایف خود نسبت به حقوق شهروندی کوتاهی نکنند.

نتیجه

مهاجرت از روستاها به شهر امروزه بصورت یک معضل اجتماعی مطرح است. با بررسی موضوع مهاجرت از روستا به شهر، در می‌یابیم که بسیاری از این مهاجرت‌ها موجبات دگرگونی روابط اجتماعی را فراهم می‌سازد و هنگامی که فرد مهاجر پا به عرصه بی‌در و پیکر جامعه شهری می‌گذارد سعی می‌کند راه و رسم زندگی شهری را بیاموزد و استقبالی که در بدو ورود از سوی خویشاوندانی که قبلاً در این راه قدم گذاشته‌اند از آنان بعمل می‌آید، گرچه در فراهم آوردن امکانات اولیه استقرار در آغاز سهمی بسزا دارد، ولی بندرت چنین وابستگی‌هایی می‌تواند پایه و اساس رشد اجتماع جدیدی باشد. رفته رفته در مکان جدید پاره‌ای کمبودهای عاطفی و حمایتی ظاهر می‌شوند که این خود زمینه مشارکت تازه‌ای را در غالب همبستگی متقابل با همسایگان پدید می‌آورد، بطوری که بعد مکانی، تعیین‌کننده برخورد دوستانه و یا بیگانگی میان این و آن و این گروه و آن گروه می‌شود. فرد مهاجر فقط عنصری محسوب می‌شود که در میان آحاد بشمار مردم موقعیت تازه‌ای را جستجو می‌کند. با در نظر گرفتن این شرایط میتوان به وضوح به روند ایجاد یک زندگی حاشیه‌ای پی برد. یکی از مسائلی که در مهاجرت از روستا به شهر مورد بحث قرار می‌گیرد، موضوع شناخت نوع جامعه ایست که مهاجرت به آن صورت می‌گیرد این امر مستقیماً ما را بر آن می‌دارد که به نوع شناسی سکونت‌گاه‌های روستایی پردازیم. در بحث از تغییر شرایط زیستی، قبل از هر چیز از محیط پیرامونی فرد صحبت به میان می‌آید و رابطه تنگاتنگی که میان فضا و پدیده هویت مطرح می‌شود، این نزدیکی بدان پایه است که ویژگی‌های هویت جمعی هر گروه انسانی را میتوان به میزان وسیعی ناشی از حالات و خصیصه‌های فضای زیستی آن گروه دانست. رابطه متقابل به حدی عمیق است که افراد قادرند در پی یک جابجایی، فضای متعلق به خود را عیناً بازسازی کنند. اشتراک زیستی در هر فضای اجتماعی، با رعایت اصول و قواعد معمول، در غالب عادات و آداب خاص آن جامعه به شکل‌گیری نوعی ساختار اجتماعی می‌انجامد که از یک سو متضمن استواری جامعه می‌شود و از سوی دیگر بواسطه پویایی درونی با تحرک و جوشش بی‌وقفه زندگانی همساز می‌شود و این تحولی است دایمی که نیاز هر انسان به استقرار اجتماعی او را ملزم به تطبیق خود با تغییرات ناشی از تحول مذکور می‌سازد. در خارج از این شبکه ارتباطی و در سطح وسیع جامعه، بویژه از نظر موقعیت شغلی فرد مهاجر، گذشته از رویارویی با نوعی از تقسیم کار کاملاً متفاوت و شدت جنبه‌های رقابتی آن، کلاً با دنیایی برخورد می‌کند که با

عقلانیت آن بیگانه است. علاوه بر این بدبینی نسبت به آینده و طرح‌ها و برنامه‌هایی که قادر به درک منطق آنها نیست، همه و همه بر سر خوردگی اش دامن می‌زنند، حال او در برابر جامعه‌ای قرار گرفته است که اصل فردیت و فرد گرایی در آن حاکم است. در این شرایط او راه چاره را در ایجاد نوعی انشعاب فرهنگی می‌بیند و تلاشی که در ایجاد فضای خاص خود می‌نماید بمنظور مقابله با همین زمینه‌های نارضایی است.

شرایط ناگوار زیستی، افراد مهاجر را بر آن می‌دارند تا با ایجاد شبکه جدیدی از ارتباطات، همبستگی ارگانیک از دست رفته خود را که بافت آن اساساً بر همیاری است باز یابند و این الزامات زندگی و احتیاج‌های متقابل است که چنین همیاری را ایجاد می‌کند و در این شرایط افراد با قرار گرفتن در یک روند ارتباط مبادله‌ای، مشارکت مزبور بنوبه خود به تقویت پیکره اجتماعی می‌انجامد. فضای زیستی حاصل از این نوع ارتباط بر اساس پاسخگویی به نیازهاست.

وضعیت منطقه ارزنان و دارک از دیدگاه خود پاسخگویان به قرار زیر می‌باشد:

میزان فقر در حد زیاد ۶۵/۹ درصد و به طور متوسط ۳۳/۷ درصد که جمعاً بیش از ۹۰ درصد از این قشر فقیر می‌باشند. میزان جرم ۵۱/۲ درصد زیاد و به طور متوسط ۳۹/۶ درصد که جمعاً بیش از ۸۰ درصد جرایم و تخلف در این قشر دیده می‌شود.

وضعیت بیکاری از دید پاسخگویان بسیار زیاد و بیش از ۹۰ درصد می‌باشد. مشارکت اجتماعی در بین این قشر پایین و بسیار ضعیف است و ۶۶ درصد مشارکت اجتماعی را بسیار کم و ۳۳/۲ درصد متوسط که جمعاً بیش از ۹۰ درصد علاقه‌ایی به مشارکت در مسایل اجتماعی و سیاسی ندارند یا برای آنها بی‌اهمیت است.

بیش از ۹۰ درصد آنها از نابرابری اجتماعی رنج می‌برند و به گفته خود آنها تنوع فرهنگی مشکلاتی را در منطقه به دنبال داشته است که دیدگاه آنها نسبت به این مساله ۴۵ درصد زیاد و ۵۴/۶ درصد در حد متوسط ذکر کرده‌اند.

اکنون با تشریح وضعیت منطقه آیا به حق نیست که توجه بیشتری به این مردم و مناطق فقیر نشین شود.

در جریان این تحقیق فرضیاتی به آزمایش گذاشته شد و نتایج زیر حاصل گردید:

• فرضیه «بین حاشیه‌نشینی و فقر رابطه وجود دارد» با میزان ضریب کای اسکور ۵۰/۱۹

تایید شد.


- فرضیه «رابطه بین حاشیه‌نشینی و جرم» نیز با میزان ضریب کای اسکور $70/56$ تایید شد.
- فرضیه «رابطه حاشیه‌نشینی و بیکاری» با میزان ضریب کای اسکور $90/38$ مورد تایید قرار گرفت.
- فرضیه «بین حاشیه‌نشینی و تنوع فرهنگی رابطه وجود دارد» نیز با میزان $Z = -8/75$ و سطح معنی‌داری بسیار بالایی ($Sig = 0/000$) تایید شد.
- فرضیه «رابطه حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی» با میزان $Z = -4/93$ و سطح معنی‌داری بالایی مورد تایید قرار گرفت.
- فرضیه «بین حاشیه‌نشینی و نابرابری اجتماعی رابطه وجود دارد» نیز با میزان $71/3$ تایید گردید.

منابع

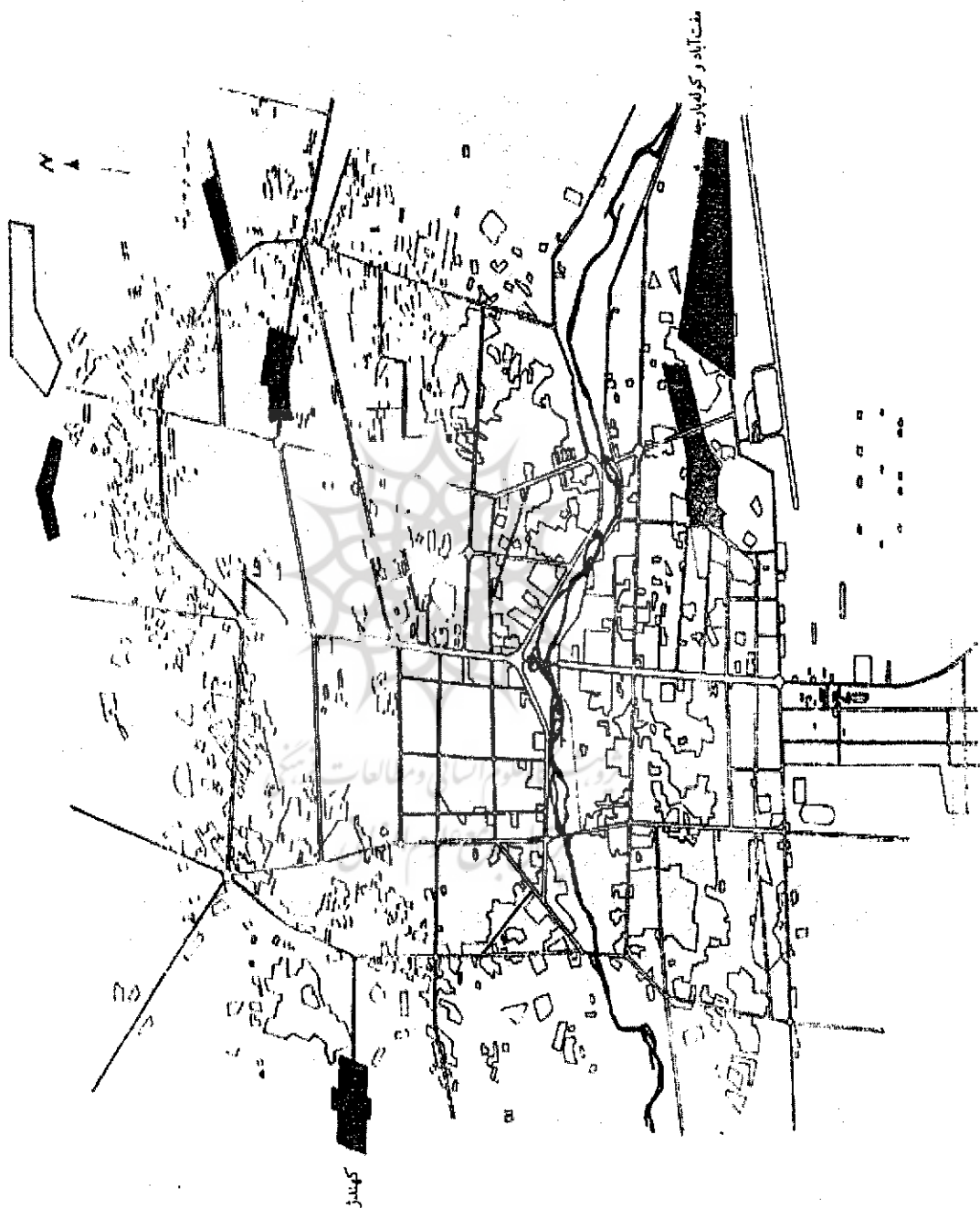
- ۱- ایران محبوب، جلیل، «جامعه‌شناسی شهری» شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.
- ۲- ابوالحسن، دانش، «مقدمه‌ای بر تئوری حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه در کشورهای جهان سوم» سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۲.
- ۳- انصاری هرمز «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان» به کوشش احمد جواهری، نقش جهان، تهران، ۱۳۷۹.
- ۴- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ نهم، ۱۳۷۸.
- ۵- توسلی، غلامعباس، جامعه‌شناسی شهری، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۶- توکلی خمینی، نیره، جامعه‌شناسی صنعتی، دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۷- ربانی، رسول «جامعه‌شناسی شهری» انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۸- زاهد زاهدانی، سعید، نظری اجمالی به حاشیه‌نشینی و برنامه ریزی مرکز جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۸.
- ۹- شیخاوندی، داور، جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی، نشر مرندیز، ۱۳۷۹.
- ۱۰- شکوئی، حسین، جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات دفتر مرکزی، جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۱- شکوئی، حسین، حاشیه‌نشینی شهری، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی، سال ۲۵۳۵.
- ۱۲- شفق، سیروس، جغرافیای اصفهان، دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۱۳- فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر، تهران، ۱۳۶۳.

- ۱۴- کیزیل و کولین گری، SPSS در محیط ویندوز، ترجمه علیرضا منتظری، تهران: کانون نشر علوم.
- ۱۵- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۷۳.
- ۱۶- مساواتی آذر، مجید، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران «جامعه‌شناسی انحرافات» چاپ میهن، ۱۳۷۴.
- ۱۷- ملک، حسن، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۸- منصوریان، آیت‌اللهی، حاشیه‌نشینان شیراز، مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز، تیرماه، ۱۳۵۷.
- ۱۹- هادی‌زاده بزاز، مریم، حاشیه‌نشینی و راهکارهای سامان‌دهی آن در جهان، شهرداری مشهد، تیهو، ۱۳۸۲.

20. Castells, M. (1977). *The Urban Question; A Marxist Approach*. Cambridge: MIT press.
21. Hardoy, J. E. and Satterhwaite David. (1995). *Squatter Citizen*. London: Eeathscan Pub.
22. Mellor J. R. (1997). *Urban sociology in urbanized society*. London.
23. Nas, Peter J. M., (1999). *Urban Anthropology in The Netherlands*, Leiden University, Netherlands.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

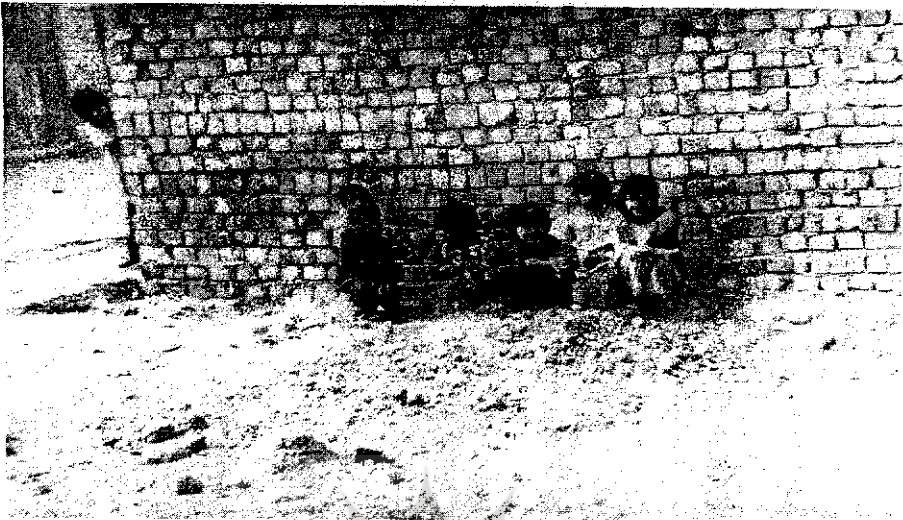




شماره ۱: منطقه‌ی حاشیه‌نشین ارزنان و دارک در انتهای خیابان زینبیه



شماره ۲: به علت نداشتن مراکز تفریحی بیشترین سرگرمی آنها را در کارهای نمایشی مانند زنجیر پاره کردن و معرکه‌گیری با استفاده از حیواناتی مثل میمون تشکیل می‌دهد



شماره ۳: به علت نبودن پارک بازی، مخروبه‌ها جایگاهی است برای با هم بودن کودکان



شماره ۴: عکس فوق جوانی معلول را که برای امرار معاش بالاجبار شغل کاذب واکسی را برگزیده، نشان می‌دهد.



شماره ۵: پیرمردی در حال فروش اجناس دست دوم در جمعه بازار ارزنان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی